

دین برای اتّحاد بشر است آنرا سبب اختلاف نکنید بلکه بآن اختلاف را زائل نمائید و همه با یکدیگر معاشرت

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (47) امر و خلق - جلد 3

۴۷ - دین برای اتّحاد بشر است آنرا سبب اختلاف نکنید بلکه بآن اختلاف را زائل نمائید و همه با یکدیگر معاشرت کنید

و نیز از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله تعالی: لا تجعلوا دین الله سبباً لاختلافکم انه نزل بالحق لا اتّحاد من فی العالم اتّقوا الله ولا تكونوا من الجاهلین .

و قوله الاعمّ الاثم: الیوم دین الله و مذهب الله آنکه مذاهب مختلفه و سبل متعدّده را سبب و علت بغضاء نمائید این اصول و قوانین و راههای محکم متین از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مشرق این اختلافات نظر به مصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده ای اهل بهاء کمر همت را محکم نمائید که شاید جدال و نزاع مذهبی از بین اهل عالم مرتفع شود و محو گردد حباً لله و لعباده بر این امر عظیم خطیر قیام نمائید ضغینه و بغضای مذهبی ناری است عالم سوز اطفای آن بسیار صعب مگرید قدرت الهی ناس را از این بلاء عقیم نجات بخشد .



ORIGINAL

و قوله الاعظم الاقوم : ای دوستان امروز باب آسمان به مفتاح اسم الهی گشوده و بحر جود امام وجوه ظاهر و موج و آفتاب عنایت مشرق و لائخ خود را محروم ننمائید و عمر گرانمایه را بقول این و آن تمام مکنید کمر همت محکم نمائید و در تربیت اهل عالم توجه کنید دین الهی را سبب اختلاف و ضغینه و بغضاء مدانید لسان عظمت میفرماید آنچه از سماء مشیت در این ظهور امنع اقدس نازل مقصود اتحاد عالم و محبت و وداد اهل آن بوده باید اهل بهاء که از رحیق معانی نوشیده‌اند بکمال روح و ریحان با اهل عالم معاشرت نمایند و ایشان را متذکر دارند به آنچه که نفع آن بکل راجع است این است وصیت مظلوم اولیاء و اصفیای خود را عالم به محبت خلق شده و کل به وداد و اتحاد مأمورند

و قوله الاحق الاصدق : حضرت موجود میفرماید ای پسران انسان دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت اهل عالم است او را سبب و علت نفاق و ضغینه و بغضاء نمائید این است راه مستقیم و اس محکم متین آنچه بر این اساس گذاشته شود حوادث دنیا او را حرکت ندهد و طول زمان او را از هم نریزند .

و قوله الا کد الاثبت : دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت نازل گشته و ظاهر شده او را علت اختلاف و نفاق نکنید سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعت ربّانی بوده و نمو عالم و تربیت امم و اطمینان و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی او است سبب اعظم از برای این عطیة کبری کأس زندگانی بخشد و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیه مبذول دارد رؤسای ارض مخصوص مظاهر عدل الهی در صیانت این مقام و علو و حفظ آن جهد بلیغ باید مبذول دارند . و قوله الحق : بنام خداوند یگای اهل عالم بعد از کشف حجاب جمعی به آیات متمسک آیات نازل نمودیم و برخی به بینات متشبث آنرا اظهار داشتیم و حزبی به احکام متوجه شطری اعظم از آن ظاهر فرمودیم آنچه که خواستند مجری شد و هر چه گفتند به اصغاء فائز مقصود از جمیع آنچه ظاهر شد آنکه گوشها مستعد شود از برای یک کلمه علیا و آن این است یا ملاء الارض لا تجعلوا دین الله سبباً للبغضاء و اگر این کلمه در عالم محلّ اخذ نماید کلّ خود را فارغ و مستریح مشاهده نمایند بگو لعمر الله مذهب الهی و دینش از برای اتحاد و اتفاق آمده نه از برای اختلاف و نفاق یشهد بذلک امّ الکتاب و القوم هم لا یسمعون .

و قوله الصدق : مقصود این مظلوم از اول ایام الی حین آنکه مذهب الله را سبب بغضاء نمایند و با من علی الارض به روح و ریحان عمل نمایند و معاشرت کنند مگر نفوسی که رائحه ضغینه از ایشان منتشر گردد در این صورت اجتناب لازم .

و در کتاب عهدی است قوله الاکرم : ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف نممائید نزد صاحبان بصر و اهل منظر اکبر آنچه سبب حفظ و علت راحت و آسایش عباد

است از قلم اعلی نازل شده ... امید آنکه اهل بهاء بکلمه مبارکه قل کل من عند الله ناظر باشند و این کلمه علیا بمثابه آب است از برای اطفاء نار ضغینه و بغضاء که در قلوب و صدور مکنون و مخزون است احزاب مختلفه ازین کلمه واحده بنور اتحاد حقیقی فائز میشوند انه يقول الحق و یهدی السبیل .

و قوله الاسنی : دین الهی را سبب اختلاف و ضغینه و بغضاء ندانید لسان عظمت میفرماید آنچه از سماء مشیت درین ظهور امنع اقدس نازل مقصود اتحاد اهل عالم و محبت و و داد اهل آن بوده باید اهل بهاء که از رحیق معانی نوشیده اند به کمال روح و ریحان با اهل عالم معاشرت نمایند ایشانرا متذکر دارند به آنچه که نفع آن به کل راجع است این است وصیت مظلوم اولیاء و اصفیاء خود را

و در لوح اشراقات است . قوله الاعظم الانور : حزب الله جهد بلیغ مبذول دارند که شاید ضغینه و بغضاء که در صدور احزاب مکنون است به کوثر بیان و نصایح مقصود عالمیان ساکن شود و اشجار وجود به اثمار بدیعه مزین گردد انه هو الناصح المشفق الکریم .

و قوله الاعظم : اگر علمای عصر بگذارند و من علی الارض رائحه محبت و اتحاد را بیابند در آن حین نفوس عارفه بر حریت حقیقی آگاه شوند و راحت اندر راحت مشاهده نمایند و آسایش اندر آسایش اگر ارض به انوار آفتاب این مقام منور شود اذاً یصدق ان یقال لا تری فیها عوجاً و لا امتاً . و قوله الارفع : درین صبح نورانی لسان بیان الهی باین کلمه نورانی ناطق ای اهل ارض تمسک نمائید به آنچه که سبب رفع اختلاف است تا جمیع احزاب به راحت حقیقی و آسایش دائمی فائز گردند ظهور مظاهر سبب و علت اتحاد بوده و هست و لکن عباد جاهل سبب اختلاف نموده اند بگو ای اهل ارض کلمه حق را بشنوید و به آن تمسک نمائید .

و قوله الاعز : بگو یا حزب الله و احزاب مختلفه عالم بر نصرت قیام نمائید و عالم محبت و و داد را از آرایش عصیان و بغضاء مطهر سازید شاید نفس راحتی از نفوس برآید و به حریت حقیقی فائز گردند قسم به آفتاب حقیقت بهاء مقصودی نداشته و ندارد جز تطهیر عالم از اموراتی که سبب ضرر و بأس و یأس بوده و به قوت و قدرت قلم اعلی قیام نمائید که شاید این قصد ظاهر شود و عالم را فائز نماید .

و در کتاب اقدس است قوله تعالی : عاشروا مع الادیان بالروح و الریحان لیجدوا منکم عرف الرحمن ایاکم ان تأخذکم حمیه الجاهلیة بین البریة کل بدء من الله و یعود الیه انه لمبدء الخلق و مرجع العالمین .

و در خطاب به بهائیان دهج از حضرت عبدالبهاء است . قوله اللطیف : و یجان و دل بکوشند تا الفت کلیه و محبت صمیمیه و ارتباط روحانیه در بین قلوب حاصل گردد و جمیع بشر از فیض جدید انور در یک صقع جمع و محشور گردند نزاع و جدال از جهان برخیزد و محبت جمال ذوالجلال کل را احاطه کند نفاق به وفاق تبدیل شود و اختلاف بایتلاف مبدل گردد بنیان بغضاء برافتد و اساس عداوت منهدم شود نورانیت توحید ظلمات

تحدید را زائل فرماید و تجلّی رحمانی قلوب انسانی را معدن محبت رحمانی کند . ای یاران الهی وقت آنست که با جمیع ملل به نهایت مهربانی الفت نمائید و مظهر رحمت حضرت احدیت شوید جان عالم گردید و روح حیات در هیكل بنی آدم .

و در لوحی دیگر قوله الاعزّ : عاشروا یا احبائى بالروح و الریحان کلّ الادیان ایّاکم أنّ تجعلوا کلمة الله علّةً
لا اختلافکم او سبباً لاظهار البغضاء بینکم قل اتقوا الله یا ملاء الارض و لا تكونوا من الغافلین .

و قوله جلّ کبریاؤه : هو النّاصح الامین . عالم را به مثابه هیكل انسانی ملاحظه کن و این هیكل بنفسه صحیح و کامل خلق شده و لکن به اسباب متغیره مریض گشته و لازال مرض او رفع نشده چه که بدست اطبای غیر حاذقه افتاده و اگر در عصری از اعصار عضوی از اعضای او بواسطه طبیبی حاذق صحت یافت عضوهای دیگرش به امراض مختلفه مبتلا بوده و حال در دست نفوسی افتاده که از خمر غرور تربیت یافته اند و اگر هم بعضی ازین نفوس فی الجمله در صحت آن سعی نمایند مقصود نفعی است اسماً یا رسماً بایشان راجع شود چنین نفوسی قادر بر رفع امراض بالکلیه نبوده و نخواهند بود الا علی قدر معلوم و دریاق اعظم که سبب و علت صحت اوست اتّحاد من علی الارض است بر امر واحد و شریعت و آداب واحده و این ممکن نه مگر به همت طبیب حاذق کاملی که مخصوص نظم عالم و اتّحاد اهل آن از شطر قدم بعرضه عالم قدم گذارد و هر هنگام که چنین نور از مشرق اراده الهیه اشراق فرمود و طبیب حاذق از مطلع حکمت ربانیه ظاهر شد اطبای مختلفه به مثابه سحاب ، حجاب اشراقات و تجلیات آن نور شدند لذا اهل ارض به اختلافات خود باقی ماندند و مرض عالم رفع نشد و صحت نیافت آن اطبای که قادر بر این امر خطیر نبوده و این طبیب را هم از معالجه منع نمودند و حجابهای مانعاً حائله شدند درین ایام ملاحظه کن که جمالقدم و اسم اعظم کشف حجاب فرموده و نفس خود را لاجل حیات عالم و اتّحاد و نجات اهل آن فدا نموده معذک کل بر ضرش قیام نمودند تا آنکه بالاخره در سجنی که در احراب بلاد واقع است مسجون شده و ابواب خروج و دخول را مسدود کرده اند یار را اغیار دانسته اند و دوست را دشمن شمرده اند مصلح را مفسد گمان نموده اند .